

اگهی

بله یکی از بیماریهای خطرناکست که باعث تلفات بسیار زشت روحی و کودی واستعداد یافتن به بیماری غیره خواهد شد در این صورت مسامحه مردم در تلقیح خود است - وزارت بهداشتی خلی متصرف است که مراجعه به پستهای ثابت آبله کوبی برای تاج خود را که اخیرا بخانهها اعزام میشوند راه انداده یا کودکان بهماذیر بی اساس میشوند و این روجه اعلی دوجه انحطاط انکوده و از يك اقدام بهداشت که برای سلامت آنان منتهایند .

مه دوم و سوم یادآوری و تکید میباشد که کوتاهی دادن کودکان و حتی کسان بالغ میباشد بلکه بنا به طبق ماده ۲۷۶ کفر عمومی و ۱۱۶ قانون جلوگیری محال گشته مورد تعقیب قرار خواهند گرفت . گوشزد میشود برای مایه کفری به پستهای ثابت زیر

لاحضرت شرف پهلوی
خیابان شانی آباد
کام و مادران
پاستور
امریه
انتظام السلطه
انتهای شاهپور
نئی سابق

«سولوی گورک»
انتهای خیابان امیری اول بنت گلشن
خیابان ناصرخسرو
خیابان سعدی
«خواجه نوری»
بلای باقر مجاهدی
خیابان بلور سازی
خارج دروازه شیران نظام آباد
خیابان آقاخانی هادی
خیابان سیه
خیابان خیام جنب وزارت بهداری
چهار راه گورک خیابان امیری
کوچه میرزا محمود وزیری
خیابان مولوی
چهار راه حسن آباد
خیابان خیام جنب سید نصرالدین
دروزی آید انبارمیر
وزارت بهداری

اگهی

می داده میشود کتاب «کورپوس یوریس سوبایس»
بود يك نسخه از چاپ براین ۱۸۹۵ آن که تازه
رد «در سه جلد» فروش میشود پیا ۵۰ ریال
نایند .
۵-۳

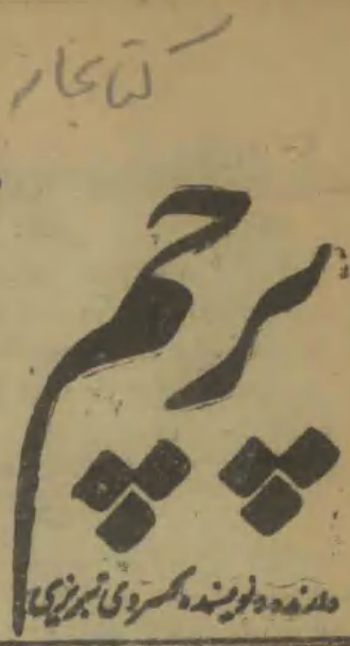
اگهی

مع کوبن جیره بندی نان وسایر ضرور پست از اگهی
شده و تحصیل کوبن نیز برای عموم مستلزم ارائه
بیگانه مقیم تهران که مشمول مقررات قانون و زود
اشند و تا کنوت پروانه اقامت تحصیل نکرده و یا
آگهی داده میشود که نبل از دوز سرشمارای برای
دباداره گذرانده مراجعه نمایند تادر روزشمارای
یکه پس از اجرای این سرشمارای معلوم گردید از
انعامات مستثنی اشانه براینکه ممکن است از اجتناب
ند در حدود مقررات قانون مؤرد تعقیب این واقع
اداره کل شهرتانی

لی مناقصه

دارائی چند دستگاه و خرجه باقی ایستاده خریداری
در ا پایلغ بانصد ریال وجه نقد بنام سبرده تا آخر
۲۱ بدفتر این اداره تسلیم و رسید دریافت دارند
۱۳۹۵ - ۲۱ - سه ساعت قبل از ظهر در کمیسیون
و خوانده خواهند اداره در رد و قبول پیشنهادات
لایحان در جلسه مناقصه ماضی نخواهد داشت
دیس اداره کل کار بردازی - معطلی - ناصر

نفت انگلیس و ایران
شعبه های خود در
ورده های نفتی ایران
شگاه های کشور ساخته
همه جور از مایش
ت ب فروش میرساند
۲۲
لااله الا الله
شماره درهمه جا ۵۰ دینار
ساده تجدید ایران



سرمه نویسنده کسری نیرنگی

آیا ایرانیان

کلاه پوستی بسر میگذارند ؟

چند روز پیش نوشتیم که کسانی کلاه پوستی بسر می گذارند . در روز از یکی که از آشنایان بود پرسیدم گفت : « این کلاه اجدادی ماست » . ایست می پرسم : آیا ایرانیان باستان ، یا ایرانیان پیشین ، کلاه پوستی بسر می نهاده اند ؟ آنهمه می دانیم ایرانیان چنین کلاهی نداشته اند اگر هم داشته اند چون در ایران یک پیشی بنام یکسانی رخت و کلاه پیش آمده و رخت اروپایی بصورت قانونی رخت اینترمد گردیده امروز بسیار بیجاست که آنرا بهم زنند و بهوس هر کسی رخت دیگری بپوشد و کلاه دیگری بگذارد . زیرا از یکسو این رفتار یکسانی رخت و کلاه را بهم خواهد زد و باز همان رختهای گوناگون بیست سال پیش باز خواهد گشت . از سوی دیگر این رخت اروپایی که ما پذیرفته ایم چه برای زنان و چه برای مردان رخت بسیار نیکبست نبوده نباید از آن دست برداشت . در پوشاک سر این کلاههای لبه دار از هر باره نیکست و کلاههای پوستی جز مایه ریشخند دیگران نخواهد بود . همه میدانند که ما دشمن تقلید از اروپا هستیم . ولی پذیرفتن نیکبهای اروپا تقلید نیست : این رخت و کلاه نیز از نیکبهای اروپا می باشد .

مشروطه ایست . مردم مانده اند دو دل از یکسو می شنوند که باید میهن خود را دوست داشت ، بقانون اساسی وفادار بود ، بدولت و مجلس فرمانبرداری کرد و از یکسو یکیش خان می گوید میهن پرستی کفر است ، قانون اساسی برخلاف شریعت می باشد ، مالیات دادن حرامست ، سر برازی رفتن گناه است .

۲) دسته هایی در ایران که اگر نامهاشان بیرم دشمن خواهند گردید هر یکی برای خود آرم و وسایست دیگری دارند که نه تنها در پیشرفت ایران مانده اند بلکه باخته اند و خود را در بدبختی ایرانیان و نابودی آنها می بینند و اینها همیشه مانع کارند . مثلا همان کردهای رضائیه همیشه متضررند که دولت گرفتار گردد و آنها پیمان افند و تراج کنند و پستان برند و دم ز استقلال زنند . مثلا بهائیها آشکاره می گویند : « لیس الفخر لمن یحب النوط بل لیس یحیی السلام » همیشه خود را از ایرانیان کناری می گیرند . دیگران را خودشان می داند .

۳) همان یادگارهای زمان مغول که شما هواداری از آنها می نماید از هر باره بالندیده دموکراسی مخالفت . زیرا از یکسو جنبای همه آنها پناه برستی و زبردستی و بونیست . همان گلستان سعدی ، همان بوستانش برای دوره دموکراسی زهر است ، همان خسه نظامی با اندیشه مشروطه مخالفت ، همان پندها و اندوژها که آنان سرورده اند برای این دوره بسیار زیان آور است .

۴) در ایران پس از مشروطه یکبار هیاهوی مادیگری رواج سختی گرفت : « زندگانی مبارزه است » ، « آدم باید زیرک باشد و پول در بیاورد » ، « مبین چیست ؟ غیر چیست ؟ که گفت دزدی به است . » ، « اینها چندان بشتاب در میان جوانان برانگنده گردید که جای حیرت بود .

باز هم درباره آذربایجان

با آن جوانان باید گفت : اگر خواست شما کینه توزی و همجوشی با تهرانیان و دیگرانست و از آن لبت می برید که بنشینید و از اینکه آذربایجانی هستید بخود بایند و تهرانیان بد گویند وریشخند کنید و تهرانیان نیز در بوش خود از ریشخند و بد گوئی شما باز نایستند ، اینها هوسبازیهای بیخردانه است که ما از آنها سخت بیزاریم و چه بهتر که از ما دور باشید و مارا نیز آلوده نگردانید . ولی اگر جوانان هوشیار و پاکدلید و میخواهید در راه کشور خود یکوشتهایی بردارید باید بدانید که این گفتار شما سراسر زیانست . زیرا همین با بستگی به ترکیب میدگی را که میانه آذربایجانیان و دیگرانست بیشتر و سختتر خواهد گردانید و بد خواهان از دور و بیرون دامن بآتش خواهند زد و داستانهای که امروز بهم شما میرسد رخ خواهد داد . از آن سوی آسوری و ارمنی و ترکمان و کرد و عرب هر یکی بروی از خدا کرده آنها هم خواهند خواست که در سبایزبانهای خودشان باشد ، بلکه از و بختاری و صحنای و گیلانی و مازندرانی نیز همان خواست را خواهند داشت . بگردم با شگرد همیشه می گویند که چیزهایی را که مایه ریدگی و جدایی دو بیان توده تواند بود از میان بردارند . شما بنویسوی از خرد کینه و بآن کوشید . اینست نیکب که می گویند جز کینه توزی و هوسبازی نیست .

می گویند : « باید بزبان عالی احترامی نکنند » . کسی بزبان شما باساداری نکرده . چند تن ناظمائی از مستوفی و لقمان نیسی و غلامحسین سرود در حساب هیچی نیستند . ایرانیان پاکدرون همیشه با آذربایجان پاشی کرده اند و همیشه نامش را بیکدی برده اند . زبان ترکی را هم کسی بدیش نداشت . چه می شن دارد که زبان بد باشد . این از قدیمه سود کشور و توده است که دوراندیشان و دانایان خود آذربایجان خواسته اند فارسی را در آنجا روان گردانند و کم کم ترکی را از میان برند . آن کسانیکه با ارسال بیسان افتادند و داستان زبان را عنوان کردند از خردمندان نبودند . هوسبازانی بودند که تنها میخواستند دسته ای بر سر خود گرد آورند ، و چون دستاویز دیگری پیدا نمیکردند باین دستاویز برخاستند . شما اگر جوانان باهوش هستید نیک اندیشید که آنان که بودند و چه میخواستند و با کجا ها بیوستگی میداشتند .

من از سال ۱۳۱۲ همیشه بیلندی نام آذربایجان گوشیده ام . در زمان رضا شاه که سکتتر کسی می راست نام شورش مشروطه را ببرد من تاریخ آن را می نوشتم و برانگنده می کردم و چون میدانستم اگر سانسور ببیند جلو خواهد گرفت بیشتر از بخشهای آن تاریخ را بی نشان دادن سانسور بچاپ می رسانیدم و اگر شامیخواهید بدانید که این تاریخ نویسی من چه خطر هایی را در بر توانستی داشت پرونده این کار را در شهرتانی بخوانید و یا از آنای سرهنگ آرتا پرسید . همین کار که من تاریخ مشروطه بی اجازه از وزارت فرهنگ و بی نشان دادن سانسور چاپ کردم یک نتیجه اش این توانستی بود که من بزندان میفتور کسی برای بردن نام من نداشته باشد .

با اینحال برای آنکه تاریخ مشروطه که بیشترش با آذربایجان بستگی دارد از میان نرود من آن تاریخ را با گوشه های بسیار دور بار بچاپ رسانیدم . این يك بخش از کوششهای من درباره آذربایجانست و شما آن را ببینید که با ارسال در مهر ماه که به تبریز رفتن همان هواداران زبان ترکی و همدستان ایشان که از آشتی کشور فرستی یافته براس و هوسبازی برخاست بودند از رخت من با آنجا ناخشنود گردیدند و کسانیکه چنین گفته بودند که ملایان را باید گویا برانگیزند . این توده نابا کدرونی ایشانست .

هوسبازان نامرد ! چنین می نداشتند . که وقتی من میدان را بآنان تنگ خواهد گردانید . این يك نمونه ای از پستی اندیشه های ایشانست ، و شما جوانان پیروی از آنان می نمایید و هیچ نمی اندیشید که چه شده که من پاندازه آنان سود آذربایجان را نمیخواهم . راستی را باید گفت : بسیار گمراهید ، بسیار پرتید .

۱) شوم دلیل آورده می گویند : دعووس نیز سزایانست و هر یکی در جای خود سخن گفته میشود . این یکی اردبیل پالیست که با سال روز نامه آذربایجان می نوشت . ولی دوست مانده آنست که کسیکه چشمپاشی درد دارد چاره نبردازد و پاسخ بآن دردناکی بنارد و دلیل آورده بگوید : « ابوالمعالی معری نیز نایند بود » ، و این نداده که آن نایندی هنری برای ابوالعلاء نبوده .

اگر در سوس سه زبان هست آن نیز مایه گرفتاری برای آن کشور است که باید در پی چاره باشند . نه اینکه شما در ایران پیروی از ایشان نایید .

خوش باش نادانی ز کجا آمده ای
می خور که ندانی بکجا خواهی رفت
فلک بپرد نادان دهد زمام مراد
صبر و ظفر هر دو دوستان ندیده اند
اینها و صد مانند اینها که فلسفه بی خبری و تبیلی است دیوانهای شاعران را بر کرده است و شما می بینید که بیای آن مارا بچاپ رسانید بدست جوانان میدهند و بدینسان اندیشه کوش و میهن پرستی را در دلهای آنان مست می گردانند .

۲) در ایران پس از مشروطه یکبار هیاهوی مادیگری رواج سختی گرفت : « زندگانی مبارزه است » ، « آدم باید زیرک باشد و پول در بیاورد » ، « مبین چیست ؟ غیر چیست ؟ که گفت دزدی به است . » ، « اینها چندان بشتاب در میان جوانان برانگنده گردید که جای حیرت بود .

اینهاست علت نا انجام ماندن مشروطه در نتیجه این آلودگیهاست که جنبش مشروطه نه تنها ایران را پیش نبرد و آن را در صف دولتهای دموکراسی آبرومند جهان قرار نداد بلکه هر چه ناپسند و تر بود پیشتر گردانید و این بیچارگی امروزی ایرانیان ، و اینکه هیچی های بیگانه گرسنه می مانند ، و زنان نا آگاه با درد و غم رو بروند ، روستایی در زیر پالک مال میشود باعث همه آنها اینهاست . ایست رابطه آن گرفتارنها با شاعران میماند این چیزست که ما بدست آورده ایم و میدانیم . اکنون شما همه آن کسانیکه در دل ریش داران و نکوشهای ماز شاعران نیک برغم آنها شمرده میشود بنشینید و بنشینید اگر مطلب را از این

کسری

میر هاشم کوچی



میر هاشم یکی از بدخواهان بنام مشروطه بود و در این عکس او با شراوم ارشده که از سران سپاه دولتی بودند دیده میشود .

یک کار نیک

کاریکه باید دیگران پیروی نمایند
کسانیکه میخواهند اندازه بدبختی توده را بدانند این باید آورند که در این کشور سالها مردان دلسوزی همچون حاج میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا علیخان امین الملوه و میرزا ملک خان و دیگران اندوه میخوردند و با زوری روان گردانید مشروطه در ایران جاهای خود را بفخر می انداختند . سپس بشوایان گرانمایای همچون بهیانی و طباطبائی و افندی و دیگران پیش افتادند و پس از یکسال و نیم نبرد با دیر باجاری مشروطه را در این کشور برپا گردانیدند سپس سالهایی در میان مشروطه و اقتیاد کشاکش برده مردان دلیبر و جانفشی از آن راه جنگها کردند و کشتند و کشته شدند و سرانجام مشروطه (یا سرشته داری توده) در این کشور پایدار گردید . ولی اکنون شما می بینید که پس از سی و هفت سال هنوز از هزار تن یکی مافی درست آنرا نیاندند و جوانان در سی خوانده نیز از شنیدن آن ناگانه و در نتیجه همین ناگفتیست که پس از آن همه نه چادیده میشود فلان آخوندک بشروطه بد میگویی ، فلان حاجی ناظم ریشخند میکند ، فلان جوان بیایم میگوید « مشروطه دیگر کپته شده » ایست اندازه بیچارگی این توده بدبخت . در اینجا است که باید گفت : اینترمد سر کلاه را کم کرده اند . در اینجا است که باید گفت : با کنگ نادانی بنیاد خود می کنند .

مشروطه یا سر رشته داری توده که بهترین و والا ترین شکل حکومت است و باین کشور رسیده مردم نادان « مناقش » ایست اندازه و نه ارش میدانند اینهمه دبیرستانها و دانشگاهها در هیچیک سخنی از مافی دوست مشروطه نمیدانند . در بیچارگی اینترمد کریمه باید کرد .

باری اینها يك نادانی بزرگی از ایرانیان است و ایست از ارسال که جمیعت آزادگان بکار برخاست یکی از خواستهای خود شناسانیدن معنی دوست مشروطه و ستودگیهای آن قرار داد ، و ایست در گام نخست يك گنا چه ای نام . امروز چه باید کرده ؟ . بچاپ رسانید که معنی دوست مشروطه را بداند و بداند که پیگیری در

پیراد . این کتابچه گفتند در پیمان به چاپ رسید و برآ کشف کردند . سپس هزار نسخه با پول آزادگان تهران چاپ یافته ببرد داده شد . پس برای بار سوم در تبریز بچاپ رسیده که فروخته میشود هر کسی میخواهد يك کار ستودهای کند باید این رساله را بگیرد و بخواند و خود به فهمد و سپس ب دیگران دهد و او را نیز بخواند و فهمیدن را دارد . این کار بیست که بسیار کسانی می کنند .

اقدام احتیاطی

هر چند جنبه های جنگ از ایران دور است و غیرهفته ها سرزمین ما در امان می باشد با این حال چون در تمام کشورها حتی مالت بیطرف مانند سوئیس و ترکیه میزبانان مردان دلسوزی همچون حاج میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا علیخان امین الملوه و میرزا ملک خان و دیگران اندوه میخوردند و با زوری روان گردانید مشروطه در ایران جاهای خود را بفخر می انداختند . سپس بشوایان گرانمایای همچون بهیانی و طباطبائی و افندی و دیگران پیش افتادند و پس از یکسال و نیم نبرد با دیر باجاری مشروطه را در این کشور برپا گردانیدند سپس سالهایی در میان مشروطه و اقتیاد کشاکش برده مردان دلیبر و جانفشی از آن راه جنگها کردند و کشتند و کشته شدند و سرانجام مشروطه (یا سرشته داری توده) در این کشور پایدار گردید . ولی اکنون شما می بینید که پس از سی و هفت سال هنوز از هزار تن یکی مافی درست آنرا نیاندند و جوانان در سی خوانده نیز از شنیدن آن ناگانه و در نتیجه همین ناگفتیست که پس از آن همه نه چادیده میشود فلان آخوندک بشروطه بد میگویی ، فلان حاجی ناظم ریشخند میکند ، فلان جوان بیایم میگوید « مشروطه دیگر کپته شده » ایست اندازه بیچارگی این توده بدبخت . در اینجا است که باید گفت : اینترمد سر کلاه را کم کرده اند . در اینجا است که باید گفت : با کنگ نادانی بنیاد خود می کنند .

خجسته یاد تلگرافی

بندر شاهپور - پرچم آتلی کسری روز غرخته اول آذر که روز تاجر روشانی رستگاری است بخود عالی و وابستگان گرامی خجسته یاد خورشیدی

تلگرافات رسیده

از شاهپور
ساکتین ایست شهرستان تلگرافی مغایره نموده و متذکر شده اند با اینکه این شهرستان در نتیجه غارت اگر اوصافات بسیار دیده معدودات کنون اجناسی معصاری باهالی آن داده شده است در پایان از متصدیان امر تقاضای رفع این بی عدالتی را نموده اند .

از اهر

تلگرافی ساکتین اهر مغایره نموده اند که از اهری محل خیال استعلاش مرتکبین بشراوت تاراج قریه های پکر آباد ارسباران را دارد تقاضا نموده اند اشرا کتلی بایند .

بنازگی نیل نیلگری از باران ما از بهر پولی رستاده که صد نسخه از آن رساله بی بها یکسانی داده شود این يك کار نیکست خسته باید دیگران نیز پیروی کنند . از این کتابچه باید شما نسخه بچاپ رسد و بدست مردم داده شود امروز غمناکتر اینهاست . امروز کارهاییکه خدا را خشنود گردانند اینهاست . اینهاست که مایه رهایی اینترمد از بدبختی و درماندگی تواند بود .

